

فاجعه بیداد زن ستیزی در افغانستان و فریاد درخواست «عدالت»



خواهران و برادران مرا یاد کنید
تابوت مرا قدم قدم بردارید
تابوت مرا ز شاخ شمشاد کنید
بر خاک سیاه مانید و فریاد کنید

نوشتن آنچه بر یکی از همجنسان مظلوم، بیدفاع و هردم شهید ما با نهایت قساوت و بیرحمی عارض گردید، تکراری خواهد بود بر مکررات اخبار این چند یوم اخیر؛ ولو که هر روز روشنی بیشتری که بر حادثه خفت آور و تراژدی سیاه انسانی انداخته میشود، علت العلل این حادثه شرم آور را به مراجع مختلفه اجتماع پیوند میدهد. بلی بروز پنجشنبه هفته قبل و در آستانه سال نو هجرت محمدی، بعد از اعلام متولی زیارت «شاه دوشمشیره ولی» مبنی بر اینکه «فرخنده شهید» اوراقی از قرآن عظیم الشان را آتش زده است که هیچ اثباتی موجود نیست، نه تنها جمیعتی از مردان تشنه به بلوا گری، دهشت افگنی بدون مشاهده ثبوت، بی محابا بر آن زن بیدفاع و وحشیانه حمله نمودند و وی را مورد لت و کوب، پرتاب سنگ های بزرگ قرار دادند، بلکه در شرائطی که هر گوشه شهر از مأمورین امنیتی «مملو» میباشند، این وحشت و دهشت آزادانه و با کمال سبعیت، در حضور سیر بینان قسی القلب به وخامت گرایید. درین حالت که چادر از سر مضروب افتاده است و از نگاه کرامت انسانی و اخلاق اسلامی، دختر بینوا در حالت بدی جلو چشمان همگان قرار گرفته، داد میزند که وی هرگز قرآن را نسوخته و چنین کاری را نمی کند، ولی کو عاطفه انسانی و کجاست آن ترحم اسلامی که پیامبر «ص» بر بندگان خداوند متعال توصیه نموده است؟ قدم متهورانه بعدی را البته که قهرمان دیگری برداشت با چالان کردن موتر و عبور آن وسیله نقلیه ثقیل بر جسد نیمه جان زن هموطنی که حفظ حیثیت و آبروی وی را منحصیث ناموس یک خواهر هموطن باید «وجداناً» خود بر عهده می گرفت.... این قاتل هم با توهین به مقام خواهر، مادر و همسر خویش مانند بقیه آن گروه

عهد بربریت، ورق سیاه و خون آلودی را از پامال حقوق حقه زن افغان در تاریخ قرن بیست و یکم و آغاز سال نو رحلت پیغمبر اسلام «ص» افزود نمود!

بالافاصله، بعد ازین جریان اسفناک غیر بشری منحصراً یکی از مظاهر تمدن قرن ارتباطات، ایمیل ها و فیسبوک ها بکار افتادند و در تقدیر از اعمال چنین یک فاجعه انسانی خفت بار در پایتخت وطن قلم فرسایی ها صورت گرفت. بلی زلمی زابلی رئیس کمیسیون شکایات مشرانو جرگه، سیمین حسن زاده معاون وزارت اطلاعات و کلتور، حشمت ستانکزی سخن گوی پلیس کابل و صد های دیگر همه و همه با نظریه های غیر قانونی و پامال اصول و مقررات اجرایی و قضایی دولت افغانستان این عمل قبیح را تقدیر و کاملاً «مشروع» قلمداد نمودند!

وزارت داخله اعلام نموده است که تعدادی از پلیس هایی که فعلاً تعداد شان به ۱۳ نفر میرسد شناسا شده و تعلیق وظیفه گردیده اند «همین؟». این وظیفه شناس ها اولتر باید مورد بازخواست قانونی قرار گرفته و به اشد مجازات سوق داده شوند تا عبرت دیگر هم مسلکان شان قرار گیرند، هیئات که این ها وظیفه مملکت و مردم آنها باید پاسداری و حمایت نمایند، در حالیکه عملاً ثابت نمودند که از مادر، خواهر و همسر و دختر خود در لباس «فرخنده شهید» هیچ دفاعی ننمودند و عملاً در تعمیم چنان جنایت فجیعی بدون تردید سهم هم گرفتند.

حال میرویم به سراغ آنانی که ادعا و وظیفه رهنمایی و تدریس اصول عالی دین مقدس اسلام را در چنین عصری بر عهده گرفته اند. بلی، ملا و قاری و موعظ مسجد وزیر اکبر خان بنام «ایاز نیازی» در کابل قهرمان دیگر بیست در چنین یک جنایت استخوان سوزی که بگفته محترم «نجیب الله بارکزی» در دریچه نظر خواهی پورتال افغان جرمن آنلاین، دارای تعلیمات عالی در دین اسلام و مسلک خویش میباشد و از فهم «در مسائل دینی» هم مقام برجسته ای دارد و عالم حدیث هم است ولی چون انسان است و جوائز الخطاء، بنابراین مرتکب صرف «یک خطاء» بدین منوال گردیده که گویا بالای منبر اعلام نموده: هیچ خارنوال و پلیس حق دستگیری عاملان قضیه قتل و لت و کوب فجیع زن مظلومی بنام «فرخنده» را ندارد. یا الله! این چه فتوای دقیقاً در پهلوی پامال حقوق بشر، احکام قانون مملکتی را که خود از تابعین آن بشمار میرود، اکیداً نقض می نماید؟! بلی بعد از این حادثه بی سابقه خونین، اگر از عدم تقبیح چنان عمل بربریت و دهشت بر یک زن بی دفاع و مظلوم توسط وی بگذریم، مسئله قانونیت و وظایف مشترک دو قوه دولت که درینجا مطرح هستند از نظر جناب پیشوای مذهبی با تعلیمات و دانش عالی «!» که وظیفه رهنمایی صادقانه و پنداران را بر عهده دارد، چگونه تنظیم میگردد؟ به هدایت ایشان عملیه پلیس که وظیفه توقیف «متهم» و تحقیقات ابتدایی وی را دارد، با مرحله بعدی که کار «محاکم» و قضااست، منسوخ قرار گرفته، که در صورت اثبات جرم، یعنی برای تعمیم مجازات که باز هم وظیفه قوای اجرائیه بوده و از جانب حکومت اجراء میشود، سوالی باقی نمی ماند، چونکه مرحله اخیر خود بخود به «امر ایشان» از بین رفته است. پس فتوای جناب عالم خبره نقیض قانون جزا و مراحل سه گانه اتهام تا مجازات قانونی، قرار دارد. بیجا نیست که این فتواگر آتش افروز را هم به عدالت و بازخواست همان قانونی که وی زیر پا نموده است و مردم را تحریک به بیعدالتی نموده است، مقابل نمایند!

دیده میشود که یک عالم مذهبی ای که وظیفه رهنمایی صادقانه را به حکم نصوص واقعی مذهب اسلام در یک مملکت دارای قانون اساسی و قوانین فرعی بر عهده میگیرد، گذشته از غفلت مبرهن در عدالت اسلامی، قوانین مروجه آن سرزمین را هم فدای نظریات شخصی خویش نموده است. اینکه تحصیلات جناب «ایاز نیازی» تا کدام حدود است، درین مسئله پامال حقوق انسانی، اسلامی و افغانی کوچکترین امتیازی را نمیتواند دارا باشد، بلکه توقع عدالت و انصاف و روشنی اندازی از دانشمندان

بیشتر از جاهلان در چنین یک حادثه جانکاه و استخوان سوز، متصور است. بلی بعد از این حادثه بی سابقه خونین، نباید بر چنین « دانشمندی» اعتماد رهنمایی دین مقدس اسلام را نمود. در باز خواست قانونی این قضیه عدلی، داستان شعبده بازی متولی زیارت را که ادعای سوختاندن قرآن عظیم الشان را جار زده است، نباید از نظر انداخت، معلوم نیست چرا از آغاز این قضیه درد آور هیچ خبری ازین منبع منتشر نمیگردد، بلی سزای وی هم باید دقیقاً تعیین گردد که محرک اصلی فاجعه شناخته می شود.

در مراسم سوگواری جنازه «فرخنده شهید» که تعداد کثیری از هموطنان و اهالی شهر کابل اشتراک نموده بودند، همه داغدار، همه آزرده و یکصدا خواهان «عدالت، عدالت و باز هم عدالت» بوده اند. این مراسم که صفحه جدیدی را در تاریخ شهامت و قدرتمندی زنان افغان پایتخت رقم زد، در حالی برگزار گردید که جمعی از خانم های سیاه پوش جنازه و تابوت قربانی یکی از فجیع ترین جنایات بشری در حق هموطن خویش، «فرخنده نامراد» را روی شان های شان تا آرامگاه آن شهید مظلوم حمل نمودند. ناگفته نماند که انزجار و بیزارگی جمیعت ازین عمیله سخیف و دد منشانه تا حدی بود که دسته جمعی ملا امام مسجد وزیر اکبر خان، «ایاز نیازی» را که فتوای عدم مداخله پلیس و قضاء را بر پشتیبانی از عمل لت و کوب، قتل و سوختاندن «فرخنده شهید» متهورانه صادر نموده بود و حال با پر رویی، جرأت و جسارت در مراسم اجرای نماز جنازه هم اشتراک می کرد، با خفت از آن منطقه بیرون نمودند.



در مورد ضاربین و قاتلین این جنایت فجیع که عکس و استناد فراوان بدست آمده است، البته که در هر حالت تخلف از نظم عامه و وظیفه قوه اجرائیه است که ضارب و قاتلی را که شناسایی گردیده توقیف و به پنجه عدالت و محاکم بسپارد و در مرحله بعدی حتمی است که قاضی حکم اشد مجازات را برای این از خدا و انسانیت بیخبران صادر نماید، تا آن دد صفتانی که با موجودیت عکس های شان و شهادت دیگران دستگیر شده اند، باید یکبار دیگر مانند مجرمین حادثه جانگداز قرغه، به جزای اعمال سخیف شان رسانیده شوند، باشد که در پهلوی برقراری عدالت و انصاف، درس عبرتی برای بقیه در اجتماع گردد.

اگر دولت درین قضیه از مصلحت گرایی و واسطه بازی کار گیرد، وظیفه مؤسسات خیریه بشری، جامعه مدنی و طرفداران حقوق زن است که با جلب کمک از داخل و خارج مملکت، بصورت دسته جمعی و استخدام وکلای مجرب این ننگ تاریخ را با تأمین حق و داد خواهی و مجازات مجریان دد منش آن به سر انجام عادلانه برسانند. اگر چنین اقدامی در حالتی که همه مردم افغانستان خود را درین قضیه دردناک عزادار میدانند، صورت نگیرد، گویا چند روز بعد حوادث جدیدی خون پاک «فرخنده شهید» را خواهد شست و قربانی گرانبهای آن که میتواند راه عدالت و انصاف را برای حقوق زنان مظلوم افغانستان وسیله گردد، در فراموشخانه تاریخ جا می گیرد. امید است تا صدای دادخواهی «فرخنده ها» از هر گوشه افغانستان عزیز به عدالت و قانونمندی رهنمون گردد. آمین!

اشتراک بیسابقه و صمیمانه زنان افغان در انتقال تابوت همجنس مظلوم شان تا جایگاه ابدی «فرخنده شهید» که با نهایت خلوص و احترام صورت گرفت، قابل قدر و افتخار آفرین است که دریچه امیدی را برای توانمندی زنان افغان و درک مصائب ناشی از مرد سالاری و مظالم بشری در جامعه و مبارزه بر علیه آن، می گشاید.



«تصویری از مظاهرات وسیع در شهر کابل به منظور دادخواهی و عدالت در فاجعهٔ «فرخندهٔ شهید»»